محمدصادق میرزاابوالقاسمی

# کنز الاکتساب

## رساله‌ای در فن مُهرکَنی و هنرهای وابسته

کتاب

رحمتی بن عطاءالله. *کنز الاکتساب*. تصحیح عارف نوشاهی، با همکاری اَقصیٰ اَزْور. ضمیمهٔ ش ۱ *نامهٔ بهارستان* (زیر نظر نادر مطلبی کاشانی). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

امروزه بسیاری از حرفه‌ها و صنایع سنتی ایران در شمار هنر ـ صنعت‌های ازیادرفته یا در حال فراموشی محسوب می‌شود. رواج پدیده‌های تازه از سنخ هنر و صنعت در دوران معاصرْ تاب و توان را از این حرفه‌ها بازگرفته است. به دنبال این فتور، سلسلهٔ آموزش سنتی نیز گسسته و خود بر این مشکل افزوده است. مُهرکَنی و حکاکی مهر از جملهٔ این حرفه‌هاست.

رواج مهرهای ژلاتینی و مهرسازی لیزری و شیوه‌های تازهٔ آداب مهر در اسناد و نامه‌ها مهم‌ترین علت برکناری مهرهای فلزی و غیرفلزی سنتی از نظام دیوانی و اسنادی جامعهٔ امروز ایران است. هرچند این فن تا چندی پیش کمابیش حیاتی داشت، در طی سالیانی نه‌چندان دراز، بسیاری از اصول و روش‌های آن به فراموشی افتاده است. امروزه حکاکی ــ جز در نگین‌تراشی و ساخت انگشتری، آن هم با ابزاری مدرن چون فرز انگشتی ــ دیگر معمول نیست.

با این مقدمه، از رساله‌ای در آموزش حرفهٔ مهرکنی یاد می‌کنیم که به‌تازگی تصحیح شده و در قالب ضمیمهٔ مجلهٔ *نامهٔ بهارستان* به چاپ رسیده است: رسالهٔ *کنز الاکتساب*، سرودهٔ رحمتی بن عطاءالله، به کوشش عارف نوشاهی و همکاری اقصیٰ اَزْوَر.

*کنز الاکتساب* را شخصی به نام رحمتی فرزند میان‌عطاءالله در سال ۱۰۵۷ق، در نیمهٔ قرن یازدهم هجری، در عهد شاه‌جهان، در هند نوشته است. رساله به زبان فارسی و منظوم است. نویسنده آن را برای تعلیم نورمحمد بن میرزا محمد فاضل تصنیف کرده که گویا پدرش مراد و پیشوای مصنف بوده است. از حکاکان قرن دهم و یازدهم شبه‌قاره، کسانی چون ملا حسین دهلوی (نقشی)، ملا علی‌احمد مهرکن، مقصود مهرکن، و شرف‌الدین عبدالله حکاک شناخته‌ترند. از احوال مصنف رساله و خانواده‌اش چیزی در دست نیست، مگر آنچه او در این باره در رساله آورده است: اینکه پیشهٔ مهرکنی در خاندان او موروثی است و خود و پدرش شاگرد چند تن از استادان مهرکنی هند بوده‌اند. این رساله از دو منظر یگانه است: نخست اینکه تنها رسالهٔ شناخته در فنون مهرکنی است که تا کنون به ما رسیده است؛ دوم اینکه رساله بر خلاف مرسوم، ترکیبی است از اقسام قالب‌های شعر فارسی: مثنوی، قصیده، غزل، و رباعی. به نظر

مصحح، قوی‌ترین بخش منظوم رساله قصیدهٔ شکوائیهٔ آن است که تضمینی است از شعر عرفی شیرازی است. رحمتی بن عطاءالله چندین غزل را نیز از حافظ تضمین کرده یا به استقبال رفته است.

نسخهٔ تصحیح‌شدهٔ *کنز الاکتساب* حاصل مقابلهٔ دو نسخهٔ آن، محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور، و شامل چهار بخش است:

۱) پیش‌گفتار مصحح؛
۲) متن رساله، مشتمل بر ۴۹۶ بیت؛
۳) پیوست‌ها: شامل اسامی مهرکنان و حکاکان شبه‌قاره از قرن دهم تا سیزدهم هجری و گزیدهٔ مقالات فارسی و اردو در زمینهٔ مهر و حکاکی؛
۴) نمایه‌ها.

دانستن قواعد خط و خوشنویسی و توانایی ترکیبْ نخستین مرحله از آموزش حکاکی و مهرکنی است. از این رو، پس از خطبه در حمد خدا و مدح ممدوح و ذکر سبب تألیف رساله و شکوائیه و اجازه‌نامه و سخن در فضل هنر، نخستین سخن در رساله قواعد خط و مشق مفردات است. در قرن یازدهم، قلم نستعلیق در مهرکنی بر قلم‌های دیگر برتری داشته است. از این رو، نویسنده سخن خود را با بیان قواعد نستعلیق آغاز می‌کند، که با مطالب آداب‌نامه‌های مشق نستعلیق در آن دوره تفاوت چندانی ندارد.

توصیه‌های نویسنده دربارهٔ دو قاعدهٔ ترکیب در مهر و مراحل فنی مهرکنی مهم‌ترین موارد آموزشی این رساله است. قاعدهٔ اول در دوبخش، زیر عنوان‌های «در بیان ضوابط مهر» و «در بیان محسّنات ترکیب مهر» در قالب سیزده بیت بیان شده است؛[۱] با این مضامین:

۱) رعایت ترکیب برابر و یکسان در زمینهٔ مهرها؛
۲) رعایت ترتیب نوشتار در ترکیب وسجع‌نگاری مهر؛
۳) بالا بردن نام پروردگار و پیامبر (ص) در ترکیب مهر؛
۴) تعیین مکان مَدّ یا کشیده در ترکیب مهر؛
۵) کاربرد تفکیکی دو کشیده در ترکیب مهر؛
۶) استفاده از سه مد و نامناسبی چهار مد در ترکیب مهر؛
۷) یکسان‌نویسی و درشت‌نویسی در ترکیب مهرها.

شرح قاعدهٔ دوم، یا همان فنون اصلی مهرکنی، مفصل‌تر است و کلاً در چهار دستهٔ زیر تفکیک می‌شود:

۱) چگونگی انتقال نقش و نوشته بر صفحهٔ مهر؛ زیر عنوان «در بیان قواعد تحریر کردن»؛[۲]
۲) توصیه‌هایی در قاعدهٔ تراش و کندن مهر؛ با عناوین«در بیان خالی نمودن مهر»[۳] و «در بیان قواعد راندن سنبه و غیر آن»[۴]؛
۳) شیوه‌های اصلاح و ترمیم مهر؛ زیر عنوان‌های «در بیان اصلاح مهر»[۵] و «در بیان حروف جلی را خفی کردن»[۶]؛
۴) ابزار سازی و توصیه‌هایی در ساخت و تیز کردن انواع سنبه؛ با عنوان‌های «در بیان تیز کردن سنبه»[۷] و «در بیان ساختن سنبه و آب دادن آن و معرفت فولاد»[۸].

واژهٔ حکاکی گسترهٔ معنایی بازتری نسبت به مهرکنی در این پیشه دارد و حک خط و نشان بر نگین انگشتری‌ها را نیز شامل می‌شود. بیان اختلاف این دو واژه منوط به آشنایی با شیوه‌های متداول مهرسازی و حکاکی نگین انگشتری است، که موضوع این نوشته نیست. به همین بسنده می‌کنیم که توصیه‌های رحمتی بن عطاءالله در مراحل فنی مهرکنی احتمالاً به حکاکی بر مهرهای فلزی محدود است. از این موضوع در هیچ جای سخنی صریح نرفته است. سخن نویسنده در این باره به چگونگی ساخت و استفاده از قلم‌های فولادی در حکاکی مهر منحصر شده است و از دستگاه‌های سنگ‌کنی (عقیق‌کنی) هیچ سخنی به میان نیامده است.

ابزار حکاکی در مهرهای کنده و برجستهٔ فلزی را جز قلم فولادی با نام مثقب و مصقل نیز می‌شناسند. در *کنز الاکتساب* از این قلم‌ها با نام سنبه یاد شده و از انواع سنبهٔ پهن[۹]، متوسط،[۱۰] نوک‌دار،[۱۱] تحریر،[۱۲] و اصلاح[۱۳] سخن رفته است. گویا نویسندهٔ رساله در حکاکی مهر و نگین انگشتری از سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی مهارت نداشته و فقط مهر فلزی می‌ساخته است. ذکر مکرر او از مهارت در فنون زرنشانی، کوفت‌گری، مینا، منبت (فلز)، و خصوصاً زرگری نیز مؤید این احتمال است.[۱۴]

همراه با نگارش نستعلیق در مهرنویسی، از قرن دهم به بعد شیوه‌ای از تزیین و نقش‌اندازی بر صفحهٔ مهرها نیز رایج شد. این نقوش معمولاً از چند گل و گل‌برگ ساده و متصل به هم تشکیل می‌شود. رحمتی بن عطاءالله نیز سه نمونه از این نقش‌ها رانام برده است:[۱۵]
۱) نقش بیل؛ ۲) نقش بوته، که قسمی از نقش بیل است؛ ۳) نقش گل بی‌طناب.
اصطلاح اول ناشناخته است؛ اما نقش بوته را می‌توان با

گل‌وبرگ و بندهای اسلیمی ظریف که اغلب پوشانندهٔ فضای خلوت ترکیب مهرها بوده است یکی دانست. شاید مقصود از گل‌های بی‌طناب نیز ترسیم و حک گل‌های چندپر متداول، با حذف بندهای اسلیمی، بوده باشد. مجموع گفتار رحمتی از حرفهٔ مهرکنی را می‌توان در پنج نکتهٔ کلی منظم در ابیات زیر خلاصه کرد:

پایه عالی کرد مهر از پنج فن
چون رواج سیدی با پنج تن
خوشنویسی اصل کارش آمده
باز نقاشی مدارش آمده
شاعری از جملهٔ در کار اوست
زرگری در خطبه از ابرار اوست
کنده‌کاری بر طریق لازمی
تا خریدارش پسندد خادمی
هر که را زین پنج فن باشد نصیب
مهرکن وی را توان کردن حسیب[۱۶]

نکاتی را که در این رساله از آن سخن رفته است باید از خصلت‌های حکاک خبره دانست. شناخت ویژگیهای ظاهری، خوشنویسی و ترکیب، سجع‌نگاری و شناخت فنون حکاکی از عوامل مؤثر در ساخت و پرداخت مهر خوب است. حکاک قابل به همهٔ این موارد آشنا و در اجرا به آن مقید بود؛ هرچند که دو قاعدهٔ اصلی همانا خوشنویسی و ترکیب، و فنون مهرکنی بوده‌است. سرایندهٔ *کنز الاکتساب* از این دو نکته نیز در زمرهٔ خصوصیات عالی‌ترین مهرها، که همانا مهر پادشاهان و بزرگان باشد، یاد کرده است. این موارد عبارت است از: ترکیب و خوشنویسی و درشت‌نویسی مهر، مبتنی بر قاعدهٔ اول؛ و عمیق‌تراش و صیقلی بودن مهر مبتنی بر قاعدهٔ دوم.[۱۷]

مصحح به این رساله پیوست‌هایی مفید برای محققان مهر افزوده است. تحقیق دربارهٔ مهرهای پیش از اسلام و مهرهای دوران اسلامی جهت‌هایی متفاوت دارد؛ چنان‌که معمولاً مهرهای پیش از اسلام را با رویکردی باستان‌شناسانه دنبال می‌کنند و تحقیق در زمینهٔ مهرهای اسلامی جنبه‌ای سندشناسانه دارد. در پیوست دوم این رساله مخلوطی از این تحقیق‌ها معرفی شده است. بخشی از این پیوست به مشخصات ۳۹ مقالهٔ فارسی بازجسته از کتاب فهرست مقالات فارسی اختصاص دارد؛ هرچند که در این میان، مقالات سوسن اصیلی و فریبا افکاری از این کتاب مأخوذ نیست.[۱۸] به نظر می‌رسد اهتمام چندانی نیز برای تهیهٔ فهرستی جامع از این تحقیقات در نظر نبوده است.

در اینجا به منظور تکمیل منابعی که در کتاب یاد شده است، مشخصات پانزده کتاب و مقاله دربارهٔ مهرهای دوران اسلامی را می‌آوریم که در چند سال اخیر (تا پایان پاییز ۱۳۸۷) منتشر شده اما در این کتاب نیامده است:


احتشامی، محسن. *مهرهایی از جنس عشق*. تهران: کتاب خورشید، ۱۳۸۵.

اسماعیلی، صغری. *پژوهشی در سکه‌ها و مهرهای دورهٔ صفوی*. تهران: میراث‌فرهنگی، ۱۳۸۴.

جدی، محمدجواد. «تاملی بر جایگاه و ویژگی مهرهای دورهٔ صفوی». در: *مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی مکتب اصفهان*، به کوشش مهدی صحراگرد، تهران: فرهنگستان هنر، ص۲۱۳–۲۲۸.

جدی، محمدجواد. *مهر و حکاکی در ایران*. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.

حسینی اشکوری، سید صادق. *گنجینهٔ مهرها و اسناد برگرفته از اسناد حسین کاکائی*. قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۶.

حسینی اشکوری، سید صادق. *مهرهای اسناد در گنجینهٔ کاظمینی*. قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۷.

رحیمی، سوسن. «مهر در قباله‌های ازدواج دورهٔ قاجار». در: *کتاب ماه هنر*، ش۷۱ و ۷۲ (مرداد و شهریور۱۳۸۳)، ص۸۸–۹۳.

رضایی، امید. «نظری بر مهرهای دورهٔ قاجار». در: *کتاب ماه هنر*، ش۷۷ و ۷۸ (بهمن و اسفند۱۳۸۳)، ۱۳۲–۱۳۶.

رضایی، امید. «خط و مهر امنای شرع تهران در دورهٔ قاجار». در: *میراث جاویدان*، سال ۱۱، ش۴۳–۴۴، ص۶۰–۹۱.

شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. «مهرهایی از جنس عشق». در: *آینهٔ میراث*، س۳، ش۳ و ۴ (پاییز و زمستان۱۳۸۴)، ص۲۵۶–۲۶۲.

فراستی، رضا. «مهرهای شاهان قاجاریه». در: *تاریخ معاصر ایران*، سال ۵، ش۱۷ (بهار ۱۳۸۰)، ص۲۵۱–۳۱۲.

فراستی، رضا. «مهرهای شاه‌زادگان قاجاریه». در: *تاریخ*

*معاصر ایران*، سال ۵، ش ۱۹ و۲۰ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، ص۲۵۱-۳۱۱.
کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. *مهرها، طغراها و فرمانهای پادشاهان ایران*. لندن: ۱۳۸۵.
میرزاابوالقاسمی، محمدصادق. «جستجویی در نام و احوال چند حکاک شیرازی در دورهٔ قاجار». در: *گلستان هنر*، ش۹ (پاییز ۱۳۸۶).□

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. رحمتی بن عطاءالله، *کنز الاکتساب*، ۳۹ و ۴۰.
۲. همان، ۴۰.
۳. همان‌جا.
۴. همان، ۴۱.
۵. همان، ۴۱ و ۴۲.
۶. همان، ۴۲.
۷. همان، ۴۲ و ۴۳.
۸. همان، ۴۳.
۹. بعد تحریرش کنی خالی چون او را ای پسر/ اولش از سنبهٔ پهن تراش و کارگر. ــ همان، ص۴۰.
۱۰. چون کنی تحریر باید سنبه مُتوسط‌صفت/ در لک و باریک و پهن و نوک‌دار از قابلی. ــ همان، ص۴۰.
۱۱. بعد از ان با سنبه‌های نوک‌دارش کار کن/ تا بیابی محنت و رنج نوشتن معتبر. ــ همان، ص۴۰.
۱۲. سنبهٔ تحریر و هم اصلاح را هموار دار/ تا بباشی بهره‌ور از کار مهر ای کامکار. ــ همان، ص۴۲.
۱۳. همان بیت.
۱۴. شاردن در سفرنامه‌اش، که فاصلهٔ تاریخی چندانی با زمان نگارش رسالهٔ *کنز الاکتساب* ندارد، از کاربرد دستگاه تراش و حکاکی نگین در اصفهان یاد کرده است. نک: شاردن، *سیاحت‌نامهٔ شاردن*، ترجمهٔ محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵، ۴: ۳۴۵ و۳۴۶.
۱۵. رحمتی بن عطاءالله، *کنز الاکتساب*، ۳۴.
۱۶. همان، ۴۵.
۱۷. همان، ۴۵.
۱۸. کتاب *فهرست مقالات فارسی*، در شش مجلد، شامل مقاله‌های منتشرشده از ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۴ش است؛ در حالی که دو مقالهٔ یادشده در سال ۱۳۸۱ش منتشر شده است (نک: همان، ۶۱).